



• پنج‌شنبه ۲۱ تیر ۱۳۹۷ • شماره ۱۰۸۶

#### حدیث روز

امام محمد باقر (ع): خداوند با چیزی برتر از پاکی شکم و دامن عبادت نشده‌است.

#### الکافی

ذکر روز پنج‌شنبه

**صد مرتبه «لا اله الا... الملک**

**الحق المبین»**

ذکر روز جمعه

**صد مرتبه «اللهم صل علی**

**محمد وآل محمد»**

#### در محضر بزرگان

### رستگار کسی است که نفس‌اش را پاک کرد

علامه حسن‌زاده‌آملی می‌فرماید: «کسی که خود را فراموش کرده است، دنیا و آخرتش هر دور از دست داده‌است، چنین کسی اهل دنیا هم نیست، زندگی دنیا هم برای او لذت بخش نیست. مشاغل و آرزوهای دنیوی و خواسته‌های نفسانی، انسان را مبتلای به مرض غفلت می‌کند که از توجه به ملکوت و سیر و سلوک و وحانی و نیل به لقاء... باز می‌ماند. خداوند سبحان در سوره‌الشمس (۱) با قسم یاد فرمود و جواب قسم این که: «قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها» رستگار کسی است که نفسش را تزکیه کرد و پاک گردانید و ناامید و زینکار شد کسی که نفس را گم کرد و از دست داد و در پی اصلاح و تزکیه آن نر نیامد.

بر گرفته از «پندهای حکیمانه»

#### بریده کتاب

### آخرین آزادی بشر

ما که در ادوگاه کار اجباری زندگی می‌کردیم، به چشم می‌دیدیم مردانی را که به کلبه‌های دیگر می‌رفتند و دیگران را دلداری می‌دادند و آخرین تکه نان‌شان را هم به آن‌ها می‌بخشیدند. درست است که شمار این مردان زیاد نبودند، اما همین هم ثابت می‌کند که همه چیز را می‌توان از یک انسان گرفت مگر یک چیز: آخرین آزادی بشر در گزینش رفتار خود در شرایط موجود و گزینش راه خود.

بر گرفته از «انسان در جست‌وجوی معنی» اثر ویکتور فرانکل

#### ریشه ضرب‌المثل

### مغز خر خوردن

زنی به قصد آن که شوهرش را احق کند به یاری پیرزنی، کله الاغی به دست آورد و در حیاط خانه مشغول بیرون آوردن مغز خر بود تا به خورد شوهرش بدهد، که شوهر از وارد شدن آرزو زن درباره کله خر پرسید. زن گفت: «چیزی نیست، این کله خر در منقار کلاغی بود که از بالای حیاط می‌گذشت، اما کلاغ نتوانست وزن آن را تحمل کند و هایش کرد و کله خراقتاد در این لگن». مرد سری به علامت قبول تکان داد و به اتاق رفت. همسر مرد به پیرزن گفت: «فعلا این سر خر را اجایی پنهان کن تا بعد به آن پیر دازیم.» پیرزن گفت:

«دیگر به کله خرنیازی نیست. کسی که چنین سخنان بیهوده ای را بارت کند به خوردن مغز خرنیازی ندارد!»

بر گرفته از «داستان‌های امثال» گردآوری حسن ذوالفقاری

#### اندکی صبر

#### سقوط آدم

احمد رضا احمدی

شتاب مکن که ابر بر خانه‌ات بیارد و عشق در تکه‌ای نان گم شود هر گز نتوان آدمی را به خانه آورد آدمی در سقوط کلمات سقوط می‌کند

#### دنیا به روایت تصویر



آساهی شیمبون | خسارت‌های ناشی از سیل ژاپن

#### فتو شعر انتظار



#### دور دنیا

### پلیس مجهز به پلخمون!

**آدیتی سنترال** – افسران پلیس در شهر مکزیک الوارادو به تازگی مجبور شدند سلاح‌های گرم خود را کنار بگذارند و به جای آن از تیر و کمان استفاده کنند! بیش از ۸۰ درصد این پلیس‌ها نتوانستند در آزمون کنترل شخصی و غلبه بر خشم تاییدیه بگیرند و برای این که جلوی کشتار توسط پلیس‌های خشن این شهر گرفته شود، آن‌ها مجبورند از تیر و کمان که تیرش سنگ است، برای گرفتن مجرمان استفاده کنند!

### پرونده‌های مجهول

### جزیره طلسم شده آبالونیا

فاطمه قاسمی اثر چم

در سال ۱۹۶۶ روزنامه‌ها گزارش منتشر کردند مبنی بر این که تعدادی از سرمایه داران کالیفرنیا بی‌برنامه‌ریزی کرده‌اند جزیره شخصی خودشان را بسازند. محل انتخاب شده در جزیره‌ای بزرگ و ناشناخته قرار داشت که به «ساحل کرتس» مشهور بود. ظاهراً هدف، استخراج به چنگ آوردن شاه‌گ عنی‌ترین غذاهای دریایی به‌ویژه صدف‌آبالون بود. آن جزیره را «الموریا»، نام‌آقای گمشده نامیدند و رسانه هاروی آن نامی آشناتر یعنی «آبالونیا» نهادند. اما یک اتفاق ساخت این جزیره را بی‌سرانجام گذاشت.



ساحل کرتس از گذشته به‌عنوان یک نقطه‌از رزمندگان ماطخرناک شناخته‌می‌شد. کشتی‌ها باید از صخره‌های غول‌پیکر که در چند فوتی سطح آب قرار دارند، فرار می‌کردند. اما برای «جورج کرکوود» بازیگر ثروتمند، «پچارد تاکارک» و «بروس ماک‌مان» فعالان صنایع غذایی چیزی که جاذبه داشت، موجودات خوراکی دریایی بود. آن‌ها امیدوار بودند جزیره‌ای بسازند که از طریق آن بتوانند به‌طور گسترده و ارزان غذاهای دریایی استخراج کنند و به ثروت عظیمی برسند، حال آن‌که از آماج خطرناک این محل غافل بودند. تصمیم بر این بود که یک کشتی باری از کار افتاده جنگ جهانی دوم به‌نام «اس جالیسکو» ادر منطقه کم‌عمق ساحل کرتس بکشد و از این طریق صخره‌ها و باله‌های آن را جارامحصور کنند و یک خشکی مصنوعی بسازند تا به راحتی صدف‌های شیرین و گوشتی آبالون را برداشت‌وبه این ترتیب بر قلمروی آبالونیا حکومت کنند.

در سال ۲۰۱۱ «کریستوفر دیکسون» روزنامه‌نگار، کتاب‌موج‌ارواح را منتشر کرد و به تاریخچه ساحل کرتس، کاشفان، شکارچیان گنج، مققودان و... آن پرداخت. فصل اول این کتاب، ابه افسانه آبالونیا اختصاص داد. در زمان نوشتن این کتاب، اثری از آدم‌های آبالونیا نبود. تلاش برای پیدا کردن کرکوود و همرا هانش نیز بی نتیجه بود. تا این که یک روز شخصی ناشناس بسته‌ای برای خبرنگار فرستاد که درون آن یک دست‌نوشته بدخط به‌همراه تعدادی عکس از کشتی جالیسکو قرار داشت. طبق گفته خبرنگار دیکسون، این دست‌نوشته گزارش‌ی از غرق شدن و فروپاشی کشتی بود که احتمالاً برای یک نشریه نوشته شده‌ولی هیچ‌گاه چاپ نشده بود.

این رویا، رویای گران‌قیمتی بود. کرکوود بر نامه‌های بیشتر دیگری مانند ساختن یک مرکز تفریحی و توریستی نیز داشت. دیکسون در کتابش قیدی می‌کند که کرکوود از ترس توقف این طرح توسط دولت فدرال کار را خیلی عجولانه شروع می‌کند. به‌تیم بارها هشدار داده‌شده بود که در ژان توفانی اتفاق افتاده است، اما ترتیب اثری نداده بودند. کشتی به‌آرامی به فانوس دریایی و به محل مدنظر نزدیک می‌شود و باد خفیفی شروع به چرخاندن کشتی می‌کند که در همین هنگام آن توفان خیلی دور به‌آن‌ها نزدیک می‌شود. فاجعه انسانی و طبیعی هر دو باهم اتفاق می‌افتد. طبق گزارش‌ها، کشتی جالیسکو به فانوس دریایی بر خورد می‌کند و پر از آب می‌شود. توفان حدود ۲۰ فوت کشتی را بلند و با شدت به پایین پرتاب می‌کند و غرق می‌شود. گفته می‌شود اعضای تیم توسط بالگردی نجات یافتند ولی خبری از هیچ‌یک از آن‌ها نیست. همچنان ساحل کرتس بدنام است. لاشه‌زنگ‌زده جالیسکو آن محل را برای غواصان و موج‌سواران به جایی ناامن تبدیل کرده‌است و هنوز مشتاقان افسانه‌های حل نشده، برای یافتن سرنخی از سرنشینان غیب‌شده کشتی جالیسکو به سمت این جزیره طلسم‌شده می‌روند ولی نمی‌توانند به آن نزدیک شوند.



گنتی ایمیج | برگزاری مهمانی در ارتفاعات صعب‌العبور، چین

#### تاپخند

- به اعتقاد استاد‌های ما، سخت‌ترین کار دنیا بعد از کار تومعدن، وارد کردن نمره‌ها توستایت!
- بافتو شاپ فکتون‌رو و زوهار می‌کنید؟ هیچ ایرادی ندار، فقط درجه زاویه‌ها رویه جایاد داشت کنید تا تویه عکس متوازی‌الاضلاع نباشه و تو عکس بعدی دوز نقه!
- کسی می‌تونه بگه مشکل لپ‌تاپ من چیه؟ وقتی روشنش می‌کنم که پایان نامه‌ام رو بنویسم، یهو می‌ره توفولدر فیلم و سریال!
- گذاشتن کول‌رو روی پشت بوم واسه تابستون‌های معمولیه. تو این گرمایاید بیاریش تو اتاق کنار خودت، یک شربت آب‌لیمو بهش بدی و بگی داداش اگه حال داشتی گاهی هم یه فوتی به ما بکن که پختیم!
- پر کار بدترین خالی‌بندی ما بعد از جمله «اونم سلام می‌رسونه» تعلق می‌گیره به «مسئله پولش نیست»!
- اگه شک دارید که چاق هستی یا نه، از یک بچه بخواهید شکل شمارو بکشه. اگه شروع به کشیدن دایره کرد بدونید که خطر نزدیکه!
- منابع خبری شانس اول احتمال جانشینی کریس رونالدو رو وسعید عزت‌اللهی اعلام کردن، چون سعید ما اسپانیایی بلده!
- به‌نظم با رفتن رونالدو از ثال، دیگه لیگ اسپانیا باز یکن‌بزرگی نداره و بازی‌هاش پخش بشه یا نشه، دیگه مهم نیست!
- فکر کنم شنب‌ها تو خواب راه می‌افتم می‌رم میدون بار خالی می‌کنم. این میزان از خستگی در صبح دلیل دیگه‌ای نداره!
- عابر بانکه خیلی اعصابش خرد بود، کارت می‌زدی پولش در نمی‌امد!

#### باخانمان

### خودنادرمانی

**زهرافرنیا** **اطنر** **پرداز**

بند به‌عنوان یه دختر خونه، یا خانم خونه‌آینده، در مشاهداتم به نتایجی رسیدم. ما ایرانی‌ها (فعال قضیه رو جهانیش نمی‌کنم چون در اون سطح مطمئن نیستم، ولی فکر نکنن جایی هم خبریه) نوی خونه‌مون یه داروخانه داریم که و دست‌داروخانه هلال احمر بلند شده. پیدا شدن داروی سرماخوردگی و زونا توش نرماله، حیطه درماتیش با انواع داروهای دل درد و سردرد گسترش پیدا می‌کنه و با چند مدل داروی شیمی درمانی به محدوده خودش پایان می‌ده. طرز مصرفش هم که با روش نوشته، یا دیگه هر کدومون قدر یه دکتر عمومی بلدیم شربت معده رو موقع سرماخوردگی نخوریم. تا اینجا ش می‌شه خوددرمانی که اصلاً می‌تونیم می‌کنیم، مشکلیکه؟

ولی به‌جایی دیگه قضیه پیچ می‌خوره. اونجا که خودنادرمانی می‌کنیم. مثلاً د کتره هشت‌سال در س‌پزشکی عمومی خوند، بعدش تخصص، بعدش هم فوق تخصص که بشینه نوی مطب ۶۰ هزار تومن ویزیت بگیره که شما داروش رو نخوری؟ چرا؟ چون برای درد بزرگوار شما کم دارو داده. مثلاً سر درد داشتی رفتی دکتر فوق تخصص مغز؛ لوفن تجویز کرده. حالا درسته بابت نداشتن تومور مغزی ناامید شدی، ولی واقعا قح آدم از این زندگی می‌گیرن ساده‌نیست؟ با اون قرص‌های اسمارتیزی خوشگل که می‌شه نوی مواقع حساس شست‌مشت خورد!

بازم دلیل کم بودن قرص نسبت به مریضی خیلی منطقیه، من قبول دارم. بعضی‌ها مثلاً می‌رن پیش روان‌پزشک و دکتر بهشون دارو می‌ده. چون موقع کم‌حواسی و گیجی باهاشون دوسه بار شوخی «فرصات خودری؟» رو کردن، دیگه دلشون نمی‌خواد دارو بخورن. تازه این در شرایطیه که روان‌پزشک‌های فامیل نفهمن دارو می‌خوره و وگرنه که تا بلوکه «تو که چیزیت نیست قرص بخوری، بذارش کنار، این قرصاروانی می‌کنه آدم رو». راست هم می‌کن. همین فامیل دوروز دیگه می‌خوان شمارو برای فلان دختر یا پسر فامیل بگیرن، نمی‌گن طرف‌روانی بود، قرص خور بود؟ سلامتی شما مهم‌تره یا از دوا جو‌آینده‌تون؟

#### مسابقه‌این‌کیه

### قهرمان‌ووشوساندا



سلام. این بار چهره‌یک خانم با یگر رو انتخاب کردیم که ممکنه این روزها اثری از ایشون رو دنبال کنین. همین‌یک جمله رو هم راهنمایی می‌کنیم که اولین بار ایشون رو در نقش یک دختر خا‌رجی در تلویزیون دیدیم. بسه دیگه، دست به کار بشین ببینیم چه می‌کنید! عکس و کاریکاتوری هم که این جامی بینید آقای «مهدی ناصری» ۳۸ ساله از مشهد و برنده مسابقه قبل ما هستن. ایشون که کارمندن و خواننده حرفه‌ای روزنامه خراسان، خیلی خوش‌شانس بودن که بار اول در مسابقه ما شرکت کردن و برنده هم شدن! بهشون تبریک میگیم.

**یادآوری‌روش‌مسابقه:** شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به‌هم‌ریخته چاپ‌شده کیه واسم‌اش رو تا ساعت ۲۳ فردا جمعه برای ما به‌شماره ۲۰۰۰۹۹۹۰ پیامک کنید. جواب رو یک‌شنبه همین جامی ببینید. بین کسانی که جواب درست‌رو بفرستن، قرعه‌کشی می‌کنیم تا یک نفر برنده معلوم بشه و عنوان جایزه، که کاریکاتور برنده رو پنج‌شنبه هفته بعد همین جا خوا‌هید دید. خوش‌باشین همیشه.



یاهو! حمل‌ونقل رایگان!

#### تفال

ماجرای دل‌خون‌گشته‌نگویم باکس زان که جز تیغ غمت نیست کسی دمسازم گر به هر موی سری بر تن حافظ باشد همچوزلفت همه را در قدمت اندازم

#### کله‌چغوکی

### آق‌کمال در دام حباب نمی‌افتد

آق‌کمال ا همه فن حریف

مسودرقیغم‌زنگ‌زد که: «کی وقت‌دری ببینمت؟ یگ‌فکر بکری دازم که زندگیته از ای‌بره‌او بر مکنه!» گفتیم‌بیادورستش کن! هروقت‌ای جور ی‌زنگ‌م‌زنه‌مدنم که باز مخواد خودش و موهرکی دم‌دستش‌ره‌بدیخت کنه. گفتیم: «نگاه کن، داداش لطف‌شما به‌مارسیده، بذار همی جور بری خودم‌لخ‌لخ‌کنم، دور‌موره‌خط‌بیکیش جان‌با جناقت!» گفت: «حالا بذار موحرفمه‌بز نم، اگه خوش‌تیامیدمقبول نکن. شب‌خانه‌یین؟» انا حالا خوب‌فت! یعنی متخصص‌زورچپون‌کردن‌مهمومنه.

شب‌با عیالش معصوم‌خانم تشریف‌آوردن. خدا خدا مکر دم‌بادش‌رفته‌بشه و شام‌شانه‌بخورن‌و برن. هم‌تانسستم‌سر میز شروع کرد: «همایون‌ره‌یادت‌میه؟» سر میلان‌آقات‌اینا مننستن. اقیافه‌ها ج‌و‌ا‌ج‌موره‌که‌دیدادامه‌داد: «تو گل کوچیک مذاشتمش‌توپ‌جمع کن، هموجور لواشک‌مخورد، همیشه‌سربایی‌لنگه‌به‌لنگه‌پاش‌مکرودست‌بهش‌م‌زدی‌زرزر مکر د...» الکی گفتیم‌هایادمه‌که‌بیشتر از ای‌جلوی‌خانما پته‌بچگی‌هامان‌ره‌آب‌نریزه. گفت: «دیروز پشت چراغ‌م‌زدیدم‌ش‌که توماشین‌نشسته‌بودوشیش‌م‌داد‌م‌ودبالا معلوم‌بودماشینش‌کول‌دار‌مووضعش‌توپ‌رفته. گفتیم: «ماشین‌مونیم‌کول‌دره‌ای‌که‌نش‌د‌وضع‌توپ!» گفت: «نه، از ای شاستی‌بلند‌ا‌بود که کم‌کم یگ‌میلیاردمی‌ارزید! عاینک‌آفتابیش‌هم‌قیمت‌موتور‌مو‌بود!» گفتیم: «نوش‌جانش، حالا که چی؟» گفت: «تعقیبش‌کردم‌و دیدم‌رفت‌تویک‌بنگاه. نگومال‌خودش‌بود. موبیم‌رقتم‌و چاق‌سلامتی‌کردم. بهم‌پیشنهاد‌ش‌راکت‌داد. بعد از ای‌که‌خانه‌و مین‌شل‌کرده، رفته‌تو کار دل‌اروسکه. گفت‌هرچی‌پول‌درن‌بیارن‌بدن‌مو‌با‌هاش‌سکه‌و دلار بخرم‌وسریگ‌ما‌ده‌و بر ابر بهتان‌پس‌بدم‌باحبابیش. اسم‌خودشم‌گذاشته‌هما‌طلا! مونیم‌با پول‌موتورم‌و طلا‌های‌عیال‌و یگ‌مقداری‌هم‌از بایام‌قرض‌گرفتیم، پنج‌تومن‌جمع‌کردم‌که‌به‌عبارت‌دگ‌ه‌ماه‌بعد‌میشه‌ده‌تومن‌که‌متنم‌با‌هاش‌یگ‌پر‌اید‌چخ‌چخی‌بیگیرم!» صبر کردم‌حرفاش‌توموم‌بره‌تا‌ز خجالتش‌در بیام‌که معصوم‌خانم‌عیالش‌اجازه‌ن‌داد و گفت: «چشم‌روشن، پس‌شما اون‌پول‌رو از بابات‌گرفته‌بودی و گفتی‌پس‌انداز خودته؟ طلا‌های‌من‌و موتور‌تره‌و هم‌می‌خواستی‌برای‌این‌کار بفروشی؟!» «موو کالمیلیا‌خانم‌فقط‌نگاشان‌مکر دم‌وریز‌م‌خندیدم. هرچی‌مخواستم‌مو‌بارش‌کنم، دو‌برابر‌به‌معصوم‌خانم‌از خجالتش‌در آمد. نم‌دنی‌ای بشر کی مخواد‌دست‌از بلندپروازی‌بردره‌و، ولی‌شک‌ندزم‌این‌قصه‌سر‌در‌آزده...»

### اعتراف می‌کنم



#### ماوشما

داستانک، ترسانک، سوتی، شعر، عکس و هر ایده‌بامزه‌و جالب‌خودرا به‌پیامک ۲۰۰۰۹۹۹۰ یا شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ در تلگرام بفرستید.

\* مطلب‌زندگی‌سلام‌در‌باره‌ی‌یکی‌هم‌برای‌رونالدو‌بسازین.
\* امتون‌گرم
\* آق‌کمال،‌برار «ملفت»‌را‌این‌گونه‌می‌نویسن،‌نه‌آن‌گونه‌که‌شما‌نوشتی!
**آق‌کمال:**‌داداش‌کلم،‌حالا‌باید‌تو‌جمع‌موره‌خراب‌کنی؟‌خب‌همی‌ره‌یو‌اشکی‌قبلش‌بهم‌مگفتی!
\* اگه‌برنده‌مسابقه‌«این‌کیه؟»‌این‌هفته‌تون‌در‌دستر‌س‌نیست،‌مو‌که‌در‌دستر‌س‌هستم.‌حاضر‌م‌جور‌ایشون‌ره‌بکشم!
\* خیلی‌ممنون،‌یه‌دنیا‌سیاس.‌واقعا‌خوشحال‌شدم‌که‌متنم‌رو‌چاپ‌کردین.
\* آق‌کمال،‌برق‌نگاه‌تان‌این‌روز‌ها‌چند‌مگا‌واتیه؟!
**آق‌کمال:**‌فعلا‌که‌سه‌میه‌بندی‌شده‌و‌با‌چراغ‌فتیله‌ای‌نگاه‌مکنم!

محمد‌جواد‌سلیمی
**\* پیام‌صرفه‌جویی:**‌اگر‌از‌حالا‌به‌بچه‌ها‌یاد‌بدیم‌که‌آب،‌اسباب‌بازی‌نیست،‌وقتی‌بزرگ‌شدن‌لازم‌نیست‌دنبال‌یک‌بطری‌آب‌برای‌زنده‌موندن‌بگردن!